**موضوع:**[اهمیت و فلسفه زیارت مرقد حسینی](http://www.ziaossalehin.ir/content/2668)

[دین و اندیشه](https://www.ziaossalehin.ir/fa/category/61)›[قرآن و عترت](https://www.ziaossalehin.ir/fa/category/62)

استاد جعفر الهادی

دین اسلام بر زنده نگه داشتن یاد و خاطره بزرگان دینی تأکید دارد و این سنّت در سفارش پیشوایان دینی به زیارت بارگاه پیامبر اکرم(ص)، امامان معصوم(ع) و دیگر بزرگان دینی جلوه گر شده است. در فرهنگ تشیع، زیارت مرقد امام حسین(ع) اهمیت ویژه ای دارد؛ به طوری که در روایات فراوانی از پیامبر(ص) و دیگر معصومان(ع) واجبی اخلاقی شمرده شده است. بیشتر این روایات از امام جعفر صادق(ع) نقل شده که این امر به سبب فراغت و گشایشی بود که در آغاز حکومت عباسیان برای ایشان پدید آمد. این مقاله پس از بیان اهمیت و فلسفه زیارت مرقد بزرگان دینی به ویژه امام حسین(ع) نزد مسلمانان، روایاتی را در این باب بیان کرده، سپس با اشاره به نمونه هایی از سفارش های پیشوایان دینی درباره زیارت مرقد حسینی و دیدگاه علمای شیعه دراین باره، برخی از مشهرترین زائران بارگاه سیدالشهدا(ع) را نام برده و موضع حاکمان ستمگر را در برابر زیارت مرقد امام حسین(ع) بیان کرده است.

درآمد

احترام و بزرگداشت شخصیت های ملّی و بزرگ، سنّت همیشگی جوامع گوناگون بوده است؛ زیرا زنده نگه داشتن یاد و نام این شخصیّت ها، در حقیقت حیات بخشیدن به ارزش هایی است که برای تحقق آنها زحمت های فراوانی متحمّل شده اند. هر ملّتی و اُمّتی به ارزش ها و فرهنگش و شخصیّت هایی که در این راه قربانی شده اند، افتخار می کند و این امری عاقلانه و مطابق با فطرت سلیم است.

اسلام نیز هیچ گاه مخالف چنین سنّتی نبوده و اصولاً این روش اسلام است که با سنت های موافق فطرت و عقلانیت، مخالفت نمی کند.

آن گاه که اسلام به مناطق فلسطین و سوریه و عراق و دیگر سرزمین هایی که مراقد انبیاء و صالحین در آن جا وجود داشت، وارد شد، متعرّض آنها نشد و حتی کسانی که به عنوان خلیفه پس از پیامبر آمدند نیز قصد سوئی به این مراقد نداشتند؛ بلکه چه بسا بر حمایت از این مراقد و محافظت از آنها تأکید می کردند و افراد متدیّن و متعهّد را به عنوان متولّی بر این حرم ها می گماشتند. در دائره المعارف اسلامی آمده است:

هنگامی که مسلمانان فلسطین را فتح کردند، طایفه ای از مسیحیان به نام «لَخْم» را یافتند که در کنار مرقد ابراهیم خلیل(ع) در «حبرون» زندگی می کردند؛ امّا با کمال صُلح و سلامت با ایشان رفتار نمودند و مسلمانان نیز به حرم حضرت ابراهیم(ع) احترام فراوان گذاشتند، تا جایی بسیاری از آن قوم مسلمان شدند؛ زیرا دریافتند که با اسلام نیز می توانند در کنار مرقد ابراهیم خلیل الرّحمان بمانند و آن را زیارت کنند. بر فراز مرقد ابراهیم(ع) گنبدی است که در اوایل دوره اسلامی ساخته شده است. مرقد اسحاق و یعقوب نبی‘ نیز چنین است. حاکمان مسلمان هدایای گران قدری به این مراقد مطهر پیش کش می نمودند.[۱] جهانگردان غربی توصیفات خود از این حرم ها و ساختمان ها را در سفرنامه های شان نوشته اند. در همین راستاست که قران کریم قصص پیشینیان را بازگو می کند و در این داستان ها ردّ پایی از ساختن مراقدی بر روی قبور بزرگان یافت می شود. مثل داستان اصحاب کهف که پس از اطّلاع مردم از ماجرای عجیب آنان و آگاهی از منزلت ایشان، پس از فوت آن بزرگواران تصمیم گرفتند تا حَرَمی برای آنان بسازند و از باب تبرّک در آن حَرَم ها به عبادت و سجود و رکوع بپردازند

قرآن کریم حتی دستوراتی را نیز در همین زمینه صادر می کند و به مسلمانان می گوید مقام ابراهیم را به عنوان جایگاه نماز انتخاب کنند و به سعی بین صفا و مروه بپردازند؛ آن هم به یاد سعی و تلاش حضرت هاجر، همسر ابراهیم(ع) در پی یافتن آب برای فرزند اسماعیل.

اسلام برای حِجر اسماعیل که نشانه دیگری است، حرمت قائل شده و آن را در محدوده طواف قرار داده و ورود به آن را مُبطل طواف بیان کرده است؛ چرا که قبور انبیای الهی در آن واقع شده است. همچنین رَمی جمرات سه گانه و قُربانی کردن در مِنی را نیز جزئی از مناسک حجّ ابراهیمی قرار داده است.

این دستورات با هدف جاودان نمودن یاد و خاطره بزرگان دین و تلاش های آنان در راه اعتلای انسانیت و اجرای دستورات خداوند صادر شده است. ابن قیّم جوزی، شاگرد ابن تیمیّه حرّانی می گوید:

نتیجه و عاقبت صبر هاجَر و فرزندش در دوری و غربت از وطن و تسلیم در برابر پروردگار نسبت به ذبح فرزندش، این بود که آثار ایشان و محلّ قدم های شان جزئی از مناسک مؤمنین و صدقه جاریه ای برای ایشان تا قیامت قرار داده شود و این سنّت پروردگار است نسبت به کسی که می خواهد از میان خلقش او را بالا ببرد.[۳]

خداوند متعال تمام این ها را تذکّری برای بشریّت در طول تاریخ قرار داده است تا فداکاری و تلاش انسان در جهت کمال و پیشرفت معنوی را فرا بگیرد. از علی بن جعفر نقل شده است که از برادر بزرگوارش امام موسی بن جعفر(ع) پرسید: چرا رمی جمرات جزء مناسک حج قرار داده شده؟ امام فرمودند: «ابلیس که برای ابراهیم(ع) تمثّل پیدا کرد، حضرت به طرف او سنگ پرتاب کرد و این سنّتی دائمی در حجّ شد»[۴]

از امام صادق(ع) نقل شده که فرمود: «ابراهیم(ع) زمانی که اسماعیل را در مکّه گذاشت، پس از مدّتی تشنه شد؛ مادرش به دنبال آب فاصله بین صفا و مروه را هفت مرتبه رفت و برگشت و خداوند آن را به شکل سنّتی در حجّ قرار داد»[۵]

مسلمانان و جاودانگی شخصیّت های اسلامی

مسلمانان در طول تاریخ اسلام، به زنده نگه داشتن یاد و خاطره شخصیّت های دینی شان اصرار داشتند؛ گاهی با نوشتن و جمع آوری سیره ایشان، گاهی با زنده نگه داشتن موالید و وفایت ایشان و گاه با تبدیل خانه های شخصی شان به موزه و گاهی با ساخت و ترمیم قبورشان و ساختن بنا بر روی آن و زیارت آنها.

اولین و مهم ترین مرقد مورد توجّه در اسلام، مرقد رسول اکرم’ بود که مسلمانان در زیارت آن مرقد شریف، رمز عظمت خویش و سرّ مجدشان و منشأ شوکتشان و منبع عزتشان را جست وجو می کنند. حتی آنان خانه ای را که پیامبر اکرم(ص) در شهر مکّه در آن به دنیا آمده بود را مقدس شمرده و به آن توجه ویژه دارند. همین طور محلّی که برای اوّلین بار بر پیامبر اکرم(ص) وحی فرستاده شد و ایشان به رسالت برگزیده شد، یعنی غار حرا را گرامی می دارند. مسلمانان از کوه بالا رفته و در غار حرا نماز می خوانند و به آن تبرک می جویند.

بعد از آثار نبی اکرم(ص) مسلمانان به مراقد و آثار ائمه معصومین(ع) و خوبان از اصحاب ایشان متوجه شدند و حتّی خانه های ایشان زیارتگاه مردم گردید؛ چرا که خداوند می فرماید: {فی بُیوتٍ اَذِنَ اللهُ اَنْ تُرْفَعَ و یُذْکَرَ فیها اسمه}.[۶]

جلال الدین سیوطی از انس بن مالک و بریده نقل می کند که وقتی رسول خدا(ص) این آیه را تلاوت فرمود، مردی برخاست و گفت: آنها کدام خانه ها هستند؟ حضرت فرمود: «خانه های انبیاست». پس ابوبکر برخاست و در حالی که به خانه علی و فاطمه (ع) اشاره می کرد گفت: ای رسول خدا! این خانه از جمله آنهاست؟ پیامبر اکرم(ص) فرمود: «بلکه از برترینِ آنهاست»[۷]

پس چه فرقی است میان خانه ای که این بزرگواران در آن زندگی می کردند، با خانه هایی که پیکر مطهرشان در آن آرام گرفته است؟ در سیره مسلمانان چنین فرقی وجود نداشته است. چرا این گونه نباشد، در حالی که مسلمین معتقدند پیامبر اکرم(ص) و اهل بیت پاک و راستگویش(ع) زنده اند و نزد پروردگار روزی داده می شوند، همان طور که شهیدان روزی داده می شوند و آنان در رتبه سوم پس از انبیا و صدیقین هستند.[۸]

به درستی که تکریم و احترام مراقد ائمه اطهار و اهل بیت پیامبر(ص) واجبی اخلاقی است که به نصّ قرآن کریم مودّت ایشان واجب شده است، آن جا که می فرماید: {قُلْ لا اَسْئلکُم عَلَیه اجراً الاّ المودّه فی الْقُربی}.[۹]

مراقد این بزرگان، چراغ های هدایت زندگی است. این مراقد، قلب تپنده امت اسلام و راهنمای آنان به سوی رستگاری است و آن گاه که انسان در مقابل این مراقد و حرم های مقدس می ایستد، آن را کاملاً حس می کند.

زیارت امام حسین(ع)

رسول خدا(ص) بارها به زیارت مرقد خود و ائمه اطهار(ع) به ویژه حسین(ع) اشاره فرموده است.[۱۰] آیا حسین(ع) شهید راه عقیده نبود؟ آیااو در راه شریعت قربانی نشد؟ آیا رمز زیر بار ظلم و جور نرفتن و آموزگار ایثار و فداکاری نبود؟ کوچک ترین کاری که هر مسلمانی می تواند انجام دهد، این است که به زیارت مراقد این بزرگواران برود و از فضای معنوی این حرم ها فیض ببرد.

روایات

۱. ام سلمه روایت کرده که رسول خدا(ص) شبی به ناگاه با حالت اضطراب از خواب بیدار شدند و دوباره خوابیدند؛ اما پس از لحظاتی دوباره با اضطراب بیدار شدند و دیدم در دست مبارکشان خاک سرخ رنگی بود که آن را می بویید و می بوسید. به ایشان عرض کردم: این تربت چیست؟ حضرت فرمود: «جبرئیل به من خبر داد که حسین(ع) در زمین عراق کشته می شود و این خاک زمینی است که حسین در آن کشته می شود.[۱۱]

۲. ام سلمه روایت کرده است: پیامبر(ص) روزی در خانه من نشسته بودند که فرمود: کسی بر من وارد نشود! پس از لحظاتی حسین(ع) داخل شد و در آغوش رسول خدا جای گرفت و پیامبر اکرم(ص) دست بر سرش می کشید و گریه می کرد. به ایشان عرض کردم: به خدا وقتی داخل شد، متوجّه نشدم! حضرت فرمود: «جبرئیل در خانه بود؛ از من پرسید: آیا حسین(ع) را دوست داری؟ گفتم: آری. جبرئیل گفت: امّت تو او را در سرزمینی به نام کربلا می کُشند. پس جبرئیل مقداری از خاک این زمین را برایم آورد و نشانم داد»[۱۲]

۳. عایشه روایت می کند که حسین بن علی بر رسول خدا(ص) در حالی که پیامبر در حال دریافت وحی بودند، وارد شد. جبرئیل عرض کرد: ای محمد! آیا او را دوست داری؟ فرمود: چرا پسرم را دوست نداشته باشم؟! جبرئیل عرض کرد: به درستی که امّت تو، او را می کشند. و در این هنگام جبرئیل مقداری خاک در دست داشت. پس گفت: در این زمین پسرت کشته می شود و اسم آن سرزمین «طفّ» است. وقتی جبرئیل رفت، تربت در دست رسول خدا(ص) بود و می گریست. پیامبر(ص) به من فرمود:

«جبرئیل به من گفت: پسرم حسین(ع) در زمین طفّ کشته می شود و امتم پس از من دچار امتحان سختی می شوند». پس حضرت به سوی اصحابش رفت که علی(ع) هم میان ایشان بود و ابوبکر و عمر و حذیفه و عمّار و ابوذر، گریه می کردند. اصحاب پیش آمدند و عرض کردند: چه چیزی شما را به گریه انداخته ای رسول خدا! حضرت فرمود: «جبرئیل به من گفته که پسرم حسین کشته می شود و خاک زمین طفّ را برایم آورده و به من خبر داده که قبرش هم در آن سرزمین است»[۱۳]

۱. انس بن حارث از نبیّ مکرّم(ص) روایت می کند که فرمود: «پسرم حسین در زمینی که به آن کربلا می گویند، کشته می شود. پس هر یک از شما آن روز را درک کرد، باید او را یاری کند.[۱۴]

علاّمه شیخ محمد صبّان شافعی در کتابش به نام «اسعاف الراغبین» به حاشیه کتاب «نور الابصار» نوشته شبلنجی شافعی می نویسد:

از راه های متعدّد این خبر به ما رسیده که جبرئیل امین وحی به پیامبر اکرم(ص) خبر داده که حسین کشته می شود و زمینی را که حسین در آن کشته می شود را نیز به پیامبر نشان داده و مقداری از خاک آن زمین را به پیامبر داده است. در برخی روایات تصریح شده که نام آن زمین کربلاست و در برخی دیگر از آن به طفّ یاد شده است و در برخی روایات نیز از این منطقه به ساحل فرات یاد شده است. باید توجه داشت این روایات با یکدیگر تعارض ندارند؛ چون فرات به سرزمین طف که یکی از شهرهای کربلاست می رسد.[۱۵]

پیامبر اکرم(ص) با بیان این روایات می خواست که مردم به سرزمین کربلا رفت وآمد داشته باشند و همان طور که به زیارت او می روند، به زیارت حسین(ع) نیز بروند. چون هدف از هر دو زیارت، یک چیز است و آن یادآوری تقوا و اخلاق و جهاد در راه خدا و فداکاری در راه دین خدا و توجه به عالم ملکوت و فاصله گرفتن از دنیاست. این زیارت ها تجدید پیمانی با رسول خدا(ص) و اهل بیت ایشان(ع) و تذکّری است نسبت به فداکاری های این بزرگواران در شرایط سخت.

روایاتی در باب زیارت حضرت حسین(ع)

۱. از امام صادق(ع) نقل شده است که فرمود: «کسی که دوست دارد در روز قیامت در پرتوی رحمت پروردگار باشد، باید از جمله زوّار حسین گردد»[۱۶]

۲. امام صادق(ع) فرمود: «در روز قیامت کسی نیست مگر این که دوست دارد از زوّار حسین بن علی باشد؛ چون می بیند که خداوند چگونه از روی کرامت و احترام با زوّار حسین رفتار می نماید»[۱۷]

۳. از حنّان بن سدیر نقل شده که می گوید: امام صادق(ع) به من فرمود: «به زیارت حسین بروید و به او جفا نکنید؛ چون او سید شهدا و سرور جوانان بهشت است»[۱۸]

۴. از امام صادق(ع) نقل شده که فرمود: «زائر حسین بن علی، زائر رسول خداست»[۱۹]

۵. همچنین از ایشان نقل شده است که حضرت فرمود: «هر کسی دوست دارد که سکرات مرگ بر او آسان شود، زیاد به زیارت حسین(ع) برود»[۲۰]

۶. از امام صادق(ع) نقل شده که فرمود: «کسی که خداوند خیرش را بخواهد، محبّت حسین و زیارتش را در دلش می افکند و هر کسی خدا شرش را بخواهد، کینه حسین و زیارتش را در دلش می اندازد»[۲۱]

۷. امام صادق(ع) می فرماید: «کسی که حسین را با شناخت به حقّش زیارت کند، خداوند نامش را در اعلی علیین ثبت می کند»[۲۲]

۸. عبدالله بن بُکیر از امام صادق(ع) نقل می کند که فرمود: «ای عبدالله! خداوند شش منطقه را در زمین برگزید: بیت الله الحرام، مقابر انبیاء، مقابر اوصیاء، محلّ شهادت شهدا و مساجدی که نام خدا در آن برده می شود. ای عبدالله! آیا می دانی برای کسی که به زیارت قبر حسین(ع) برود، چه ثوابی کنار گذاشته شده؟! هیچ صُبحی نیست مگر هاتفی از میان فرشتگان بر سر قبر زائر حسین ندا می دهد: ای جوینده خیر! به سوی ذات پروردگار با کرامت پیش بیا و این ندا را اهل مشرق و مغرب می شنوند و باقی نمی ماند روی زمین فرشته ای از فرشتگان مقرّب خدا مگر این که به این زائر حسین مهربان می شوند و خداوند را بالای سر او تسبیح و تقدیس می کنند و از خداوند رضایت از او را طلب می کنند و حتی پیامبران برای زائر حسین(ع) دعا می کنند.[۲۳]

۹. از امام صادق(ع) نقل شده است که فرمود: «کسی که می خواهد در همسایگی رسول خدا(ص) و در همسایگی علی و فاطمه‘ باشد زیارت حسین(ع) را ترک نکند»[۲۴]

۱۰. از معاویه بن ذهب نقل شده که امام صادق(ع) فرمود: «زیارت حسین را رها مکن؛ آیا دوست نداری از کسانی باشی که ملائکه برایش دعا می کنند؟!»[۲۵]

۱۱. امام صادق(ع) فرمود: «فاطمه÷ در میان زوّار فرزندش حسین حاضر شده و برایشان استغفار می کند»[۲۶]

۱۲. امام صادق(ع) فرمود: «قبر حسین را زیارت کنید که سرور جوانان شهید راه خداست»[۲۷]

۱۳. امام صادق(ع) فرمود: «حسین را زیارت کنید، ولو هر سال یک مرتبه باشد. پس هر کس به زیارت او بیاید، آن هم در حالی که حق او را می شناسد و حق اهل بیت را نفی نکند، پاداشی جز بهشت نخواهد داشت و رزقی وسیع به او داده خواهد شد و خداوند به سرعت گره از کارش باز می کند؛ چون خداوند چهارهزار فرشته را وکیل نموده که صبح و شب همگی بر حسین گریه کنند و زائرین را همراهی نمایند تا به خانه های شان بازگردند و اگر مریض شوند، به عیادتشان بروند و اگر مردند، به پیکرشان را تشییع کنند و برای شان استغفار نمایند»[۲۸]

۱۴. از امام صادق(ع) نقل شده که فرمود: مرقد حسین(ع) باغی از باغ های بهشت است و فرشته ای مقرّب و پیامبری فرستاده شده نیست، مگر این که از خداوند می خواهد به زیارت حسین برود. پس گروهی پایین می روند و گروهی بالا می آیند.[۲۹]

ملاحظه می کنید که بیشتر این روایات، از امام جعفر صادق(ع) نقل شده، و این به سبب فراغت و گشایشی بود که در ابتدای روی کار آمدن عباسی ها برای ایشان حاصل شد. از طرفی اموی ها تمام تلاش خود را برای از بین بردن یاد و خاطره کربلا و امام حسین(ع) انجام دادند. بنابراین امام(ع) برای جبران این نقص، پیوسته فضایل زیارت حضرت حسین(ع) و برکاتی که در آن هست را گوشزد می نمودند. از سوی دیگر حضرت به تبیین شرایط محیطی پرداخته و می فرمودند: هر قدر انسان در راه زیارت حسین(ع) سختی ببیند و رنج بکشد، مقرّب تر خواهد بود.

نمونه هایی از توصیه های امام صادق(ع) به زیارت سیدالشهدا(ع)

۱. محمد بن مسلم نقل می کند که امام صادق(ع) به من فرمود: آیا به زیارت قبر حسین(ع) می روی؟ عرض کردم: آری، امّا با ترس و لرز. حضرت فرمود: «هر قدر این زیارت سخت تر باشد، ثواب آن بیشتر است و میزان ثواب به اندازه میزان ترس است. هر کس با ترس به زیارت حسین(ع) بیاید، خداوند ترس روز قیامت را از او برمی دارد و از او می گذرد و ملائکه بر او درود می فرستند و پیامبر اکرم(ص) به دیدنش می آید و برایش دعا می کند و به گونه ای در نعمت و فضل خدا غوطه ور می گردد که گزندی به او نمی رسد و مشمول رضوان خدا می شود»[۳۰]

۲. زراره نقل می کند: به امام باقر(ع) عرض کردم: درباره کسی که با ترس به زیارت جدتان حسین برود، چه نظری دارید؟ حضرت فرمود: «خداوند او را در روز فزع اکبر (قیامت) ایمن می دارد و ملائکه با بشارت با وی ملاقات می کنند و به او می گویند: نترس و ناراحت نباش امروز روز راحتی توست»[۳۱]

۳. معاویه بن وهب نقل می کند که امام صادق(ع) فرمود: «ای معاویه! زیارت قبر حسین(ع) را به خاطر ترس رها مکن؛ زیرا کسی که آن را ترک کند، بعد از مرگ حسرت خواهد خورد که ای کاش می توانست به اختیار خویش از قبر بیرون آمده و به زیارت حسین(ع) برود. آیا دوست نداری که خدا تو را ببیند و از جمله افرادی باشی که پیامبر برای شان دعا می کند و همین طور فاطمه و علی(ع)؟!»[۳۲]

۴ـ عبدالله بن بُکیر می گوید: به امام صادق(ع) عرض کردم: من در درون خودم در کشاکش و درگیری هستم؛ قلبم مشتاق زیارت امام حسین(ع) است، امّا از مأمورین حکومتی هراس دارم! امام صادق(ع)فرمود: «ای عبدالله! آیا نمی دانی کسی که بترسد و ترسش به خاطر ما باشد، خداوند او را در قیامت در سایه عرش خویش قرار می دهد و با حسین(ع) هم کلام می گردد و از هول قیامت ایمن می شود؟ آن زمانی که مردم در جزع و فزع هستند، ملائکه او را در بر می گیرند و آرامش و بشارت می دهند»[۳۳]

مسلمانان این رسالت را از پیامبر اسلام(ص) و ائمه اطهار(ع) به خوبی دریافت کردند و بر زیارت حسین(ع) مداومت کردند تا هم یاد حسین زنده بماند و هم خود اصلاح و تربیت شوند.

دیدگاه

۱. ابن بطوطه جهانگرد تونسی می نویسد:

از شهر حلّه به سوی شهر کربلا حرکت کردیم. مشهد حسین بن علی شهر کوچکی است که اطرافش را باغ های نخل در بر گرفته و از فرات سیراب می شوند. در شهر حرم و مدرسه ای بزرگ است. در گوشه حرم به زائرین غذا می دهند.[۳۴]

۱. ابن صباغ مالکی می نویسد:

پیکر حسین در خاک کربلای عراق به خاک سپرده شد و مشهدش در این شهر معروف است و از همه جا به زیارتش می آیند.[۳۵]

.ـ عقبه بن عمر سهمی، شاعر معروف عرب زبان در اواخر قرن اول هجری برای زیارت وارد کربلا می شود و وقتی به مرقد مطهر سیدالشهدا(ع) می رسد، مقابل قبر می ایستد و شروع به مرثیه سرایی می کند که در بخشی از این مرثیه چنین آمده:

«مرور کردم به قبر حسین(ع) در کربلا؛ سیلاب اشک از دیدگانم بر آن فرو ریخت. سلام خدا بر اهل قبور خفته در کربلا!»[۳۶]

۱. اسماعیل بن محمد حمیری (مت ۱۷۸ق) شاعر عرب زبان دیگری در بخشی از قصیده اش چنین گفته است:

از کنار مرقد حسین عبور کن و بگو: ای زندگی! بعد از پایمان شدن بدن حسین(ع) در زیر سم اسب ها، تو دیگر برایم شیرین نیستی. ای مرقدی که پاکیزه ای را در خود جای دادی که خودش و پدرش بهترین خلق خدا بودند؛ خلیفه به حق رسول خدا و اهل خیر و راضی به رضای پروردگار بودند. پس وقتی به قبرش رسیدی، بیشتر درنگ کن و با اشک پاک بر شخص پاک نوحه کن.[۳۷]

۱. حاجی هاشم کعبی (م ۱۲۳۱ق) می گوید:

تو را به خدا سوگند می دهم اگر به کربلا رفتی، سلام مرا برسان؛ تربت پاک حسین را ببوس و بسیار گریه کن و دردهای روحت را درمان کن.

۱. ابوالحسن علی بن حماد بصری (م اواخر قرن چهارم هجری) می گوید:

به سوی مرقد کسی برو که گنجینه علم و تقواست. به اشک چمانت التماس کن تا سرازیر شود. صورت بر تربت پاک حسین بگذار و خطاب به قبر شریفش بگو: به شایستگی به چنین مقامی نائل شدی! در تو ریحانه پیامبر قرار گرفته و کسی که نزد پیامبر جایگاه عظیمی داشت. ای قبر! در تو مقام حلم و علم جای گرفته و همین برای تو فخر است. در تو کسی آرمیده که کشته شدنش ستون خیمه دین را لرزاند در حالی که بیش از آن به واسطه هدایتش محکم بود.[۳۸]

مشهورترین زائرین مرقد حسین(ع)

۱ـ صحابی جلیل القدر جابر بن عبدالله انصاری که مرقد امام حسین(ع) را در اوّلین اربعین، یعنی چهل روز پس از شهادت حضرت در سال ۶۱ هجری زیارت کرد.[۳۹]

۱. امام زین العابدین علی بن الحسین به همراه خانواده امام(ع) هنگام بازگشت از دمشق و رفتن به سوی مدینه منوره، کربلا را زیارت فرمود.[۴۰]

۲. سلیمان بن صرد خزاعی، صحابی گران قدر رسول خدا که سابقه درخشانی در خدمت به اسلام داشت و قیام توابین را رهبری کرد.[۴۱]

۳. عالم بزرگ شیعی، جناب شریف رضی(ره) (م ۴۰۶ ق) که در رثای امام حسین(ع) قصیده ای زیبا نیز سروده است که در ابتدای آن چنین آمده:

کربلا لا زِلتَ کرباً و بَلا

ما لقی عندک آل المصطفی

کم علی تُربک لمّا صُرّعوا

من دم سال و من دمع حَری

یعنی: کربلا همچنان در بلا و گرفتاری هستی. چه ها دید در تو اهل بیت پیامبر؟! زمانی که جنگ شروع شد، چقدر بر خاک تو خون جاری شد و اشک سرازیر.[۴۲]

۱. سلطان عثمانی «سلیمان قانونی» که مرقد امام حسین(ع) را در سال ۹۴۱ هجری زیارت کرد و نهری را جاری کرد که به نهر سلیمانی شهره گشت و بعدها به «نهر حسینی» تغییر نام داد و تأثیر بسیاری بر فراوانی باغ ها و مزارع این شهر نهاد.[۴۳]

موضع گیری حاکمان ظالم در قبال مرقد حسینی

۱. حاکمان ظالمی هم بودند که کربلا و مرقد حضرت حسین(ع) را خطری برای خود می دانستند و علاقه مندان اهل بیت(ع) را از زیارت کربلا منع کرده و مشکلات بسیاری برای آنان ایجاد می کردند. بنی امیه پس از واقعه کربلا متعرّض قبر امام حسین(ع) نشدند؛ زیرا از عواقب جنایتی که کرده بودند همواره در هراس به سر می بردند. بنی امیه سخت گیری می کردند، امّا نمی توانستند مانع زیارت کربلا شوند. آنان می خواستند یاد و خاطره حسین(ع) از ذهن مردم فراموش شود.

۲. حکومت بنی امیه پس از مدتی منقرض شد و پس از آن دوران فترتی پیش آمد که دوستداران اهل بیت(ع) اندکی آسوده شدند و فرصتی برای زیارت مرقد شریف امام حسین(ع) برای آنان فراهم آمد. این دوران فترت میان سال های ۱۱۴ تا ۱۴۸ هجری بود؛ امّا پس از گذشت این سه دهه، بنی عباس با مرقد حسین(ع) کاری کردند که اموی ها نکرده بودند.[۴۴] آنان در قتل امام حسین(ع) شرکت نداشتند، امّا از اهانت به مرقد شریف چیزی کم نگذاشتند. اولین خلیفه عباسی ای که در این راه گام برداشت، منصور عباسی بود که کینه عجیبی نسبت به فرزندان امیرالمؤمنین(ع) داشت و دستور تخریب قبر مطهر را اوّلین بار او صادر کرد.[۴۵]

۳. پس از او هارون الرشید در سال ۱۹۳ هجری دستور انهدام ساختمان حرم مطهر را داد و درخت سدری را که نشانه قبر منوّر حضرت بود، قطع کرد.[۴۶]

۴. نزدیک به چهل سال بعد، متوکّل عباسی که نوه دختری هارون الرشید بود، بر مسند خلافت نشست و سیاست بسیار سخت گیرانه ای را نسبت به شیعیان در پیش گرفت. نقل است او چهار بار مرقد مطهر امام حسین(ع) را ویران کرد و زمینش را به آب بست و در آن زراعت کرد تا اثری از آن حرم شریف باقی نماند و مردم آن را فراموش کنند؛ اما هرگز در این امر موفق نشد.[۴۷] جلال الدین سیوطی در این باره می نویسد:

متوکل در سال ۲۳۶ هجری دستور تخریب قبر حسین(ع) و بناهای اطرافش را صادر کرد و دستور داد تا همه زمین را شخم بزنند و بذر بکارند. متوکل به ضدیّت شدید با اهل بیت رسول خدا(ص) معروف بود و مسلمانان از این بابت رنج می بردند.. . حتی اهل بغداد روی دیوارهای شهر به متوکل دشنام می نوشتند و برخی شعرا در هجو او می سرودند. برای نمونه چنین می گفتند: متوکل تأسف می خورد که چرا با بنی امیه در کشتن حسین(ع) شرکت نداشته؛ به همین دلیل قبر حسین(ع) را تخریب می کند![۴۸]

ابن اثیر در «کامل فی التاریخ» می نویسد:

متوکل مردم را از زیارت حسین(ع) محروم نمود و اطلاعیه داد که هر کسی را نزد قبر حسین بیابیم، سه روز حبس کرده و سپس او را می کشیم. بدین وسیله بسیاری را از اطراف مرقد شریف دور کردند. متوکّل بغض زیادی نسبت به علی بن ابی طالب(ع) داشت و دستور می داد تا اموال دوستان آن بزرگوار را ضبط و خودشان را سر به نیست کنند.. . نقل است که مرقد حسین(ع) تا هفت مرتبه تخریب و بازسازی شد؛ البته تخریب توسط دشمنان و بازسازی توسّط دوستان.[۴۹]

۱. در سال ۵۱۲ هجری خلیفه وقت عباسی «مسترشد» و فرزندش «راشد» به خزانه حرم حسینی دستبرد زدند و اموال و اشیای گران قیمتی را که شامل موقوفات و غیر موقوفات بود، غارت کردند.[۵۰]

۲. در سال ۱۲۲۶ ق نیز وهّابی ها به سرکردگی «سعود بن عبدالعزیز» با لشکری دوازده هزار نفری به کربلا حمله کردند؛ در حالی که مردم به مناسبت عید غدیر به نجف اشرف رفته بودند و تقریباً کسی جز کودکان و زنان و پیران در شهر حضور نداشت. وهّابی ها صدها تن را به خاک و خون کشیدند و اهانت ها نسبت به مرقد مطهر حسین(ع) مرتکب شدند. چوب های ضریح مطهر را شکسته و از آن در پخت غذا و قهوه به عنوان هیزم آتش استفاده کردند. این واقعه آن قدر جان سوز بود که به «طف ثانی» یعنی کربلای دوم شهره گشت.[۵۱]

متفکر مسلمان استاد عباس محمود عقاد می نویسد:

مراقد امام حسین(ع) و شهدای کربلا امروز مزاریست که مسلمانان از هر مذهبی به سوی آن می شتابند. این آسمان بر شهیدان شریف تر از اینان سایه نیافکنده است.[۵۲]

دکتر دوایت دونالدسون در کتابی که درباره عقاید شیعه و تاریخش نوشته می گوید:

از فاجعه کربلا بیش از هزار سال می گذرد، امّا زائران همچنان به سوی آن سفر می کنند و تعدادشان روزافزون است.[۵۳]

و این همان است که امیرمؤمنان علی(ع) در روایت شیخ صدوق(ره) آن را پیش بینی فرموده است. حضرت می فرماید: «گویا می بینم بناهایی روی قبر حسین ساخته شده و می بینم که محمل هایی به سوی قبر حسین(ع) می رود و شبی و روزی نمی گذرد، مگر این که از سراسر آفاق به سوی آن می آیند.[۵۴]

منبع: فرهنگ زیارت - دیماه سال ۱۳۹۲ شماره ۱۹ و ۲۰ - اهمیت و فلسفه زیارت مرقد حسینی
----------------------------------------------------------
پی نوشت:
[۱] دائره المعارف اسلامی، واژه «خلیل».
[۲] اشاره به آیه ۲۱ سوره کهف که می فرماید: {قالَ الّذین غَلَبوا عَلی اَمرهم لنتخذنَّ علیهم مسجداً}
[۳] ابن قیم جوزی، طب القلوب، ترجمه سلیمی، ص ۵۷.
[۴] محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۹۹، ص ۳۹.
[۵] همان، ص ۳۶.
[۶] نور، آیه ۳۶.
[۷] جلال الدین سیوطی، درّ المنثور فی التفسیر بالمأثور، تفسیر سوره نور.
[۸] نساء، آیه ۶۹.
[۹] شوری، آیه ۲۳.
[۱۰] محمدحسن اصطهباناتی، نور العین فی المشی الی زیاره الحسین.
[۱۱] شیخ عباس قمی، نفس المهموم، ص ۱۲۷.
[۱۲] قندوزی، ینابیع الموده، ص ۳۸۴.
[۱۳] همان، ص ۳۸۳.
[۱۴] همان، ص ۳۸۲.
[۱۵] ابن صبان مصری، اسعاف الراغبین، ص ۷۷.
[۱۶] بحارالانوار، ج ۱۰۱، ص ۷۳.
[۱۷] همان، ص ۷۲.
[۱۸] همان، ص ۶.
[۱۹] ابن قولویه قمی، کامل الزیارات، ص ۱۵۰.
[۲۰] همان.
[۲۱] همان، ص ۱۴۲.
[۲۲] همان، ص ۱۲۵.
[۲۳] همان، ص ۱۳۷.
[۲۴] همان
[۲۵] همان، ص ۱۱۹.
[۲۶] همان، ص ۱۱۸.
[۲۷] همان، ص ۱۰۹.
[۲۸] همان، ص ۸۶.
[۲۹] بحارالانوار، ج ۱۰۱، ص ۶۱.
[۳۰] همان، ص ۱۲۷.
[۳۱] همان، ص ۱۰.
[۳۲] همان، ص ۹.
[۳۳] همان، ص ۱۱.
[۳۴] ابن بطوطه، تحفه النظار فی غرائب الامصار و عجائب الاسفار (سفرنامه).
[۳۵] ابن صباغ مالکی، الفصول المهمّه فی معرفه الائمه، فصل مربوط به امام حسین(ع).
[۳۶] جواد شبّر، ادب الطف، ج ۱، ص ۵۲.
[۳۷] همان، ص ۱۹۸.
[۳۸] همان، ج ۶، ص ۲۱۸.
[۳۹] هادی یوسفی غروی، موسوعه تاریخ اسلامی، ج ۶، ص ۲۱۶.
[۴۰] همان.
[۴۱] همان، ص ۳۱۰.
[۴۲] دیوان سید رضی، ج ۱، ص ۵۸.
[۴۳] «سلیمان قانونی» دهمین و مقتدرترین پادشاه عثمانی که ۴۶ سال حکومت کرد.
[۴۴] مرتضی مطهری، سیری در سیره ائمه، بخش مربوط به امام صادق(ع).
[۴۵] شیخ عباس قمی، تتمه المنتهی، ص ۱۶۵.
[۴۶] محمد هاشم خراسانی، منتخب التواریخ، ص ۵۰۳.
[۴۷] اخبار الدوله العباسیه، ترجمه عبدالعزیز دوری، ص ۳۶۵.
[۴۸] جلال الدین سیوطی، تاریخ الخلفاء، ص ۳۴۷.
[۴۹] ابن اثیر جزری، الکامل فی التاریخ، ج ۲، ص ۱۲۵.
[۵۰] اخبار الدوله العباسیه، ص ۱۴۵.
[۵۱] سید جواد عاملی، مفتاح الکرامه، خاتمه جلد پنجم.
[۵۲] عباس محمود عقاد، ابوالشهداء الحسین بن علی، ص ۱۵۰.
[۵۳] دوایت دونالدسون، مذهب شیعه، ص ۷۷.
[۵۴] منتخب التواریخ، ص ۴۱۷.